

که در این میان بسیار است. فواید در بار المصلحت است. این در هر دو کتاب در
 در این میان بسیار است. فواید در بار المصلحت است. این در هر دو کتاب در
 در این میان بسیار است. فواید در بار المصلحت است. این در هر دو کتاب در

صنعتگران و خوشنویسان هرات

در عصر تیموریان هرات

(۴)

بهبزاد در آخذ مختلف: بهزاد در هر چار هر کتاب بشکلی ستوده شده و هر یک

به توفیق مدح او صفت او را گفته است که ما قسمتی از آنرا ذیلاً نقل مینمائیم:

اول - حبیب السیر که مؤلف آن هم عصر استاد بهزاد بوده: «استاد کمال الدین

بهبزاد مظهر بدایع سورا است و مظهر نوادر هنر، قلم مائی رقمش ناسخ آثار مصوران

عالم و بنان معجز شمعش «ما حی تصویرات هنروران آدمی»

و مناشد موی قلمش ز او سقادی جهان داده بصورت جمادی

و جناب استاد به یمن تربیت و حسن رعایت امیر نظام الدین علی شیر باین مرتبه

ترقی نمود و حضرت خاقان منصور (بعنی سلطان حسین بایقرا) را نیز با آن جناب

التفات و عنایات بسیار بود و حال نیز آن نادر العصر صافی اعتقاد منظور مرحمت سلاطین

انام است و مشمول عاطفت بی نهایت حکام اسلام بی شبهه همیشه این چنین خواهد بود.

۲- عالم آرای عباسی که استاد استاد بی همتا و صورت نگار بی مثال گفته

در ذکر نقاشان و هنروران زمان طهما سب چنین مینویسد:

تقدیر استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد و سلطان محمد که درین

فن شریف طاقت و در نزاکت قلم شهره آفاق در کتابخانه معموره کار میگرداند.

۳- حالات هنروران که یک ماخذ کاملاً جدید است درین تازگی ها باهتمام محمد عبدالله چغتائی بطبع رسیده اورا چنین می ستایند: «ذیکر شاگرد خلف سید مشارالیه (اشاره به سید روح الله هراتی مشهور بمیرک) افضل المتأخرین فی فن التصوير قدوة المتقدمین فی التذهیب والتحریر. نادر العصر استاد کمال الدین بهزاد است و تعریف و توصیف مومی الیه به رقوم قلم عجایب او درین مرقع ظاهر است. « باید خاطر نشان کرد که رساله حالات هنروران فقط یک دیباچه است که مولانا دوست محمد کتابدار بهرام میرزای صفوی بر یکی از مرقعات شهزاده مذکور در ستمه ۹۵۲ نگاشته است.

۴- تذکره خوشنویسان و نقاشان: این کتاب مؤلفه قاضی احمد قمی معاصر شاه عباس اول صفوی است که تقریباً از سنه ۹۹۵ الی ۱۰۳۸ در فارس حکومت داشته است ماخذ مذکور را شاغلی فاضل محترم گویا اعتمادی برای اولین مرتبه در سالنامه ۱۳۱۷ کابل بما معرفی کرده اند. آقای موصوف در سال ۱۳۱۷ در حین مسافرت خویش به هند به این کتاب مفید برخورد و آنرا در کتابخانه شخصی جناب سید محمدعلی داعی الاسلام مولف فرهنگ نظام مطالعه کرده اند. مؤلف این تذکره در باب بهزاد چنین توصیف کرده است: «وی از دارالسلطنت هرات است».

استاد زمانه حضرت بهزاد است که کوداد هنر وری بعالم داد ست کم زاد بسان مانج از مادر دهر البته که بهزاد ازو بهزاد است استاد در طفولیت از پدر و مادر مانده و استاد میرک که کتابدار پادشاه مرحوم سلطان حسین بوده اورا برداشته تربیت نمود. و در اندک زمانی ترقی فرمود و کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بسته همچو او مصوری کس درین روز گار ندیده، نکار زغالش بچا بسک روی به است از قلم گیری مانوی اگر مانوی ازوی خبیر داشتی ازو طرح اند ازو بر داشتی بود صورت مرغ او د لپذیر چو مرغ مسیحا شده روح گیر استاد از زمان عشرت نشان پادشاه کامران سلطان حسین میرزا تا چند مدت از اوایل سلطنت و پادشاهی ... شاه طهماسب در عرصه روزگار بودند و آثار معجز

نگار ایشان بسیار است. فوتش در دارالسلطنت هرات در حوالی کوه ممتاز در
حظیر بیر نقشن و نگار آن مدفون شده است.

۵ - بابر نامه: بابر مؤسس سلسله مغلهای هندوستان که از شیفته گان
صنایع هرات بود در چندجای بابر نامه شرحی از عشق مفرط خود نسبت به نقاشی سبک
هرات بقلم آورده است اما در مدت عمر بر آشوب خویش فرصت نیافت که استادان
هراتی را در درگاه خود گرد آورد. این پادشاه در تزک خود عصر سلطان حسین
میرزا و بهزاد را چنین توصیف میکند: « زمان سلطان حسین میرزا عجیب زهانی
بود از اهل فضل و مردم بی نظیر خراسان به تخصیص شهر هری مملو بود هر کس را
بهر کاری که مشغول بود غرض او آن بود که کار را بسکمال رساند از آنچمنه
یکی مولنا عبدالرحمن جامی بود که در علوم ظاهر و باطن در زمان خودش آنمقدار
کسی نبود از مصوران بهزاد بود که کار مصوری را بسیار نازک میکردند ...
و آدم ریش دار را خوب چهره کشائی میکردند ...
سایر کتب و ماخذ همه از حبیب السیر و عالم آراء اقتفا نموده و تماماً به تعریف
و توصیف قلم معجز رقم بهزاد و کارخانه او که رشک نگارستان چین است
پرداخته اند.

۶ - نامه نامی: طوریکه در مقاله قزوینی مذکور است غیاث الدین خوند میر
مولف حبیب السیر و دوست صمیمی بهزاد مجموعه از رسائل و اسناد رسمی
و مناشیر دولتی ترتیب داده و آنرا « نامه نامی » نام نهاده است که کتابخانه ملی
پاریس بقازگی آنرا خریده و بتصرف خود در آورده است.

درین مجموعه دو سند بسیار مهمی راجع به بهزاد موجود است که برای معرفی حال و
معرفت تاریخ زنده گانی آن نقاش زبردست در نهایت درجه اهمیت و اعتبار می باشد.
الف: مقدمه که خوند میر بر مرقعی که بهزاد از مجالس نقاشی خود جمع
کرده بود نوشته: « ...
در توصیف موقع مرقع که جامع مظهر رشد و رشاد استاد بهزاد است نوشته شد:
نقاش ازل کشاد چون چهره شهر آراست مرقعی ز او زاق اسپهر
تصویر در آن نمود بیرنگ و قلم چندین صنم جلوه گر روشن چهره

چون ارادت کامله مصور بی چون از مشیت کماله کن فیکون به اجساد
کارخانه بو قلمون متعلق شد چهره کشاد عذابت ازلی بقلم مکرمت لم یزلی بیکر
انسانی را بر طبق آیت و صور کم فاطسان صور کم به خوبترین وجهی تصویر نمود
و جمال حال این طایفه پسندیده خصال را برین صور اصناف علوم غریبه و زینت انواع
فنون عجیبه آرایش داده بمقتضای کلمه کریمه و فضلها هم علی کثیر معنی
خلقنا جانب ایشانرا به اکثر طوائف مخلوقات تفصل فرمود . مثنوی
کمالک الهی چو رقم زد صور کماله مظهر فضل و هنر آمد بشری
در پی اظهار هنر چون شگفتی صفحه ایام از وزیب یافت
گاه بنوک قلم مشک سسای این کرد رقم خط فضیلت فزای
گاه بر آنکیخت بهم آب و رنگ ساخت عیان ماه رخساری در رنگ
گاه بگلزار سخن از هنر کرد دروان جو بیچه آت از رنگ
گاه بر افروخت درخت بلند میوه او قوت دل مستمند
ساخت گهی از قلم سحر فن کمالین بر گل بر ریاض سخن آینه
کرد بذهیب سخن چون شگفتی شد خجل از شعله او آفتاب
حسن خط صورت مردم فریب می برد از خاطر دانا شکست
دیدند از صورت خط بهره روزی و مطالعات دل بود از معنی او بی خبر
صورت و معینش پسندیده است نورده مر دمک دیده است
ن والقلم وما یسطرون بر کمال شرف خط آیتی است و آیت علم با لقم
از وفور فضیلت کتابت کما بیتی بیت : در میر که کشادار یاد شاه مر حوم
خط خط نیک به نزد خرد بیش بود ز آنچه گمان می برد
و التذات نفس بشری از نقش و تصویر بر وجهی که صورت امیر و وزیر و غنی
و فقیر ست قابل تحریر نیست . و بیسان شمه از زینت و زینت و نفوس بیخ
و نرویح آن صنعت غرابت آیت باهداد قلم و بنیان همسیر پذیرنده لاجرم از
بدو ظهور عالم فضلال اولاد امجاد آدم علی نبینا و علیه السلام مادام الخط مصوراً
بالمداد والقلم بدین دو امر شریف اشغال فرموده اند و در میدان کمال و ترفوق

وساحت مهارت و فضل گوی سبقت از امثال و اقران ربو ده چنانچه اسامی سامی
 بعضی ازین طبقه در مقدمه این مرقع مذکور است و خطوط گرامی و تصویرات
 نامی که نگاشته قلم بدیع شیم ایشانست درین اوراق مصور و مسطور و از جمله
 مصوران کامل و هنر وران فاضل جامع و مرتب این اوراق مرقع مظهر بدایع صور
 و مظهر نوا در هنر نادر العصر صافی اعتقاد سا لک مسا لک محبت و داد
 استاد کمال الدین بهزاد است .

مثنوی: در عهد کیمت عالی لایزال کلام الله مانع کانتماخ و تقادین بیکه لایزال
 و نقاشان مانی قلم خجسته آثار رحل کار نیکوشیم حمیده اطوار و تصویرات
 استاد هنر وران عالم در فن هنر وری مسلم
 بهزاد یگانه زمانه مانی به زمان او فسانه
 موی قلمش زاوستانی جان داده بصورت جمادی
 در دقت طبع موشکافت وینحرف نه از سر کن افست
 تکمیل مهارتش درینفن بسیار کورت نیا بد از من
 بکشای نظر زروی انصاف بنسگر صور بدیع اوصاف
 کار است جمال اینصحايف افرو در کمال این طرابف
 در صورت خط و حسن و تصویر زینسان و راقی نیافت تجزیر

وای شایبه تکلف و غایله تظلف تا صفحه خوبان کلامدار ریحسان خط مشک
 آثار آرایش یافته مشابه خطوطیکه درین مرقع مرقوم است قلم بر صفحه کاغذ
 نهاده و تا مرقع سپهر بصورت نور افشان ماه و مهر که غواض قلم گوهر بار از اجنه
 هوات به ساحل این اوراق رسانیده در بست گرانبها و هر صورت که مصور خاطر
 غرابت مائر از لوح دل بر صحايف این کتاب نقل نموده حور بست روح افزا
 قطعه: لایزال کلام الله مانع کانتماخ و تقادین بیکه لایزال

هر گوهر مراد که در بحر خوشه‌ای (پرونده اند جمله درین بحر حاصلت
 همچون جمال مشعله افروز دیده هاست همچون وصال خرمی اند و زهر دست
 و چون تعریف لطافت آن در تعین و توصیف نفاست آن صور بدایع آئین

یابۀ هر بی مایه و بیبشۀ هر بی توشۀ نیست قلم مشکین رقم بایراد رباعی که در مدح جناب استادی گفته شده اختصار می نماید:

موی قلمت تا به جهان چهره کشاد بر چهرۀ مائی رقم نسخ نهاد
بس طبع که صورت نکو زاد ازو طبع تو ولی از همه آن هابه زاد
الحمد و الثناء لله المصور الصور العباد والصلوة والسلام علی سیدنا محمد ما دام
الخط مصوراً بالقلم والمداد وآله مظاهر صور الهدایه والرشاد وعترته الذین هم
شفأنا فی يوم التمام

ب - نشان کلان تری کتاب خانۀ همایون باسم کمال الدین بهزاد نوشت :

« چون ارادت مصور کار خانۀ ایجاد، تسکوبین و مشیت محرر نگار خانۀ آسمان
وزمین که طبق کلمۀ و صور کم فاحسن صور کم نقش وجود غرابت نمو دینی نوع
بشر در احسن صور بر صفحه امکان بر داخته قلم قدرت اوست، و تصویر صورت
تفضیل (ن - تفضیل) افراد انسان بر سایر مخلوقات ربانی بمقتضای .

« و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا، تجزیر کرده انا مل حکمت او منشور

« انا جعلناک خلیفه فی الارض، رابر صحیفه حال کاری خورشید بخامۀ عطار دینام

همایون انسام ما امضا نموده و اوراق سپهر لا جور دی را جهت کتابت روز نامچہ

آثار فتح و نصرت ما با فشان نقرۀ کوب، کواکب و جدول شجر ف کون شفق منقش

و مزین فرموده لایق آن و مناسب چنان مینماید که لوح ضمیر الهام پذیر همایون

که مظهر اشعۀ انوار الهی و مظهر صور آثار خیر خواهی است بدین صورت

مصور باشد که هر مهم از کرایم مهمات سر کار کمرانی و هر امر از عظیم امور

کار خانۀ جهانبانی بهر مند (ی) داد کار دانی فضیلت انتما که بطراحی

ذهن باریک بین و رنگ آمیزی طبع ظرافت آئین طرح ابداع انواع کفایت

و نقش اختراع اصناف فراست بر نخته و جود ظاهر تواند نمود و نقاب حجاب

از چهره مطلوب و مقصود تواند کشود مفوض و متعلق باشد بنساء علی هذا
 درین ولایت در العصر قدوة المصیر بن و اسوة المذهبین استاد کمال الدین
 بهزاد را که از قلم چهره کشایش جان مانی خجل شده و از کلک صورت
 آرایش لوح ارتنک (ن- ارسک) منفعل گشته و بیو سته قلم وار سر بر خط
 فرمان واجب الاذعان نهاده و پر کار مثال پای در مرکز ملازمت آستان
 خلافت آشیان استوار کرده مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته
 حکم فرمودیم که منصب استیفا و کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان
 و نقاشان و مذهبیان و جدول کشان و حل کاران و زر کوبان و لاجوردشویان و
 سایر جماعتی که بامور مذکور منسوب باشند در ممالک محروسه مفوض و متعلق
 بدو باشد. سبیل امراء روشن ضمیر و وزیرای بی شبهه و نظیر و نواب در گاه
 عالم پناه و ابلیجیان (ن- ایچکیان) باز گاه سپهر اشعاع و مباشران امور سلطانی
 و متصدیان مهم دیوانی عموما و اهالی کتابخانه همایون و جماعه مذکورہ خصوصا
 آنکه استاد مشارالیه رامستوفی و متعهد کلانتری دانسته کارهای کتابخانه
 را با استیفا د بر آورد او برسانند و آنچه بر آورد کند بمهر و ثبت او معتبر دانند
 و از سخن و صوابد بداد که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایون گویند عدول
 و تجاوز زنه نمایند و آنچه از لوازم امور مذکورست مخصوص بدو شناسند
 و مشارالیه نیز باید که صورت امانت و چهره در ریانت بر لوح خاطر و صفحه ضمیر
 منیر مصور و مرسم گردانیده بطریقه راستی درین امر شروع نماید و از میل
 و مداهنه مجتنب و محترز بوده از جاده صدق و صواب انحراف و اجتناب نکند
 از جواب برین جمله بروند و چون این حکم همایون بنقش توقیع و قیغ (کذا ؛)
 اشرف اعلی منقش و مشرف و محلی گردد اعتماد نمایند تحریر آن فی ۲۷
 جمادی الاولی سنه ۹۰۰ .

بهزاد در نظر غربیان .

ذوق سرشار و قریحه مبتکر بهزاد که از آثار جهان قیمت او بخوبی پدیدار
 است. نه تنها ما و شرقیان بلکه اروپائیان و ذوقمندان دنیای غرب را نیز زیر

تأثیر گرفته. چنانچه عده از مستشرقین معروف در ضمن مطالعات قیمتمدار خود راجع به شرق زمانی هم برای زنده کردن نام و روشن ساختن مقام این استاد بزرگ کار کرده. و آنچه از دست ابراهیم برآمده در این راه کوتاهی نه نموده اند. از جمله اروپائیانیکه بیشتر در قسمت صنایع ظریفه شرق معلومات داشته و راجع به بهزاد نگارستانی کرده اند می توان اشخاص ذیل را نام برد:

رنه گروسه فرانسوی، دکاتور کتل آلمانی، موسیو هوارت فرانسوی معلم فارسی مدرسه السنه شرقی پاریس، موسیو بلوشه، کتابدار کتابخانه ملی پاریس و موسیو مارتن فرانسوی

مارتن استاد بهزاد را چنین توصیف میکند: «اگرچه کمال الدین بهزاد در یک محیط دیگر و در یک عهد دیگر زبسته مگر باز هم مقام او از مقام نقاشان معروف فرنگ مانند «ژان فوکه» و «ملمنگ Miemling» و غیره کمتر نمی باشد». استاد بهزاد که تقریباً در سنه ۱۵۲۷ وفات یافته در مملکت خود در نزد پادشاه وقت بسی مظهر لطف و تحسین گردیده است. چنانیکه ر فائیل در روم از طرف ایتالیائی ها مورد حرمت و پرستش واقع شده بود. بهزاد در وطن خود نیز محبوب القلوب بوده و در روز وفاتش خون و زائول صنعت شناسان ملت بدرجه بوده که نظیرش کمتر دیده شده است.

تصویرهای قلمی بهزاد را می توان در پهلوی تصویرهای فوکه که در شاتلی است و تصویرهای «کریمان» که در «وینز» است و با در پهلوی نسخه خطی «شهور» رنه دانرور» که در کتابخانه امیرا طوری «وین» است گذاشت. اینک آثار روحی استادان فرنگ ممکن است از بعضی جهات برای ما خوشتر و باقیمت تر باشند باین سبب است که ادراک موضوع و مفهوم آنها برای دماغ ما آسانتر و طرز نقشه و نگارش آنها با احساسات قلبی ما موافق و نزدیک تر است و گرنه از نقطه نظر صنعتکاری و مخصوصاً از نقطه نظر تزئین در امتزاج و استعمال رنگها و رنگ، عمل ابن مینا نورها بعینه نظیر آثار استادان مذکور بوده و بلکه بر آنها فایقند.» (باقی دارد) علی احمد نعیمی